



دفاع از وطن با مدیریت مصرف انرژی



سرمقاله

است. مردم مبعوث همان طور که در بیش از ۸۰ روز خیابان را تنها نگذاشتند، می‌توانند از طریق صرفه جویی در مصرف گاز، برق و بنزین مبارزه با دشمنان ایران را ادامه دهند و پیش ببرند. اگر در سال جاری به طور متوسط هر راننده ده درصد در مصرف بنزین صرفه جویی کند، مساله‌ی بنزین حل خواهد شد. همچنین تنظیم دمای اتاق روی ۲۵ درجه‌ی سانتیگراد می‌تواند به میزان قابل توجهی ناترازی برق را کاهش دهد.

البته افزایش تاب‌آوری اقتصادی، فقط وظیفه‌ی مردم نیست. دولت نیز باید با گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای اوراسیا (به ویژه چین و روسیه)، عملاً تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی را خنثی کند. نتیجه آنکه تاب‌آوری در این مرحله از نبرد به معنای خرید زمان از طریق مدیریت دقیق منابع داخلی و وارد آوردن فشارهای اقتصادی خردکننده به طرف مقابل است تا زمانی که محدودیت‌های سیاسی و مالی، ایالات متحده را ناچار به عقب‌نشینی کند. در این چارچوب، ایران به پیروزی بسیار نزدیک است. ■

نبرد نظامی مواجه است و از دیگر سو، نمی‌خواهد طی یک توافق به ایران امتیاز بدهد.

در چنین شرایطی، دشمن به فشارهای اقتصادی -به‌ویژه از طریق محاصره‌ی دریایی- با هدف در هم شکستن تاب‌آوری ایرانیان چشم دوخته است. پیش‌تر نیز در میانه‌ی جنگ آسیب‌هایی به زیرساخت‌های اقتصادی ایران -مثلاً در حوزه‌های گاز و بنزین- وارد کرده بود. اگرچه پاسخ بازدارنده‌ی ایران، منجر به توقف دشمن در آسیب‌زدن بیشتر به زیرساخت‌های کشور شد. واقعیت این است که نبرد به ایستگاه تاب‌آوری رسیده است و پیروز میدان، آن طرفی است که یک روز بیشتر مقاومت کند. روزی که ایران در این نبرد پیروز شود، عملاً بسیاری از تحریم‌های اقتصادی خنثی و دوران رونق و پیشرفت اقتصادی آغاز می‌شود.

هر یک روز که می‌گذرد، فشار بر اقتصاد آمریکا و متحدانش بیشتر می‌شود. پیروزی از مسیر تاب‌آوری برای ایران به مراتب دست‌یافتنی‌تر است. تاب‌آوری به معنای تحمل منفعلانه نیست، بلکه نیازمند یک منطق کلی برای اداره کشور در شرایط محاصره

ترامپ در پرونده ایران و تنگه هرمز در یک «جنگ بی‌پایان» (Endless War) گرفتار شده است. بحران تنگه هرمز بار مالی بدهی‌های دولت‌های غربی را به صورت تصاعدی افزایش داده است. اخلاص در صادرات انرژی از تنگه‌ی هرمز عملاً منجر به افزایش قیمت بنزین، برق، هزینه‌های سکونت (وام مسکن) و مواد غذایی در غرب -به‌ویژه آمریکا- شده است. این فشار معیشتی می‌تواند عامل اصلی شکست سیاسی دولت ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا و همچنین شکست حزب کارگر در انگلیس باشد.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار ایران، اثرگذاری بر نرخ اوراق قرضه ۱۰ ساله آمریکا است. ترامپ نسبت به نوسانات این بازار بسیار حساس است؛ به طوری که هرگاه نرخ این اوراق از مرز ۴.۶ درصد عبور کرده، او ناچار به عقب‌نشینی نظامی یا اعلام آتش‌بس شده است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، آغاز دوباره حمله نظامی می‌تواند با جهش نرخ اوراق قرضه، آسیب جدی به اقتصاد آمریکا وارد کند. بنابراین از یک سو این کشور با محدودیت‌های جدی در ورود به

جنگ تحمیلی سوم در شرایطی آغاز شد که ایالات متحده گمان می‌کرد خیلی زود پیروز میدان نبرد خواهد بود و دوره‌ی سکوت صحنه‌ی نبرد نظامی نیز در شرایطی آغاز شد که اساساً ایران تقاضای آتش‌بس نکرده بود، چهل روز مواضع دشمن مورد تهاجم موشک‌ها و پهپادهای ایرانی قرار گرفت و از ابزار تنگه‌ی هرمز به مثابه سلاح اقتصادی استفاده شد. امروز آمریکا عملاً در بن‌بستی پرهزینه گرفتار شده است. رسیدن به توافق با ایران، مستلزم امتیاز دادن و پذیرش نوعی شکست است و گویا فعلاً آمریکا قصد ندارد آن را بپذیرد؛ چون این به معنای شکست در برابر چین، روسیه و حتی اتحادیه‌ی اروپا نیز هست. از دیگر سو آغاز نبرد نظامی تمام‌عیار نیز برای آمریکا پرهزینه است؛ چون چنین نبردی منجر به جهش نرخ بهره و تورم در آمریکا می‌شود که برای اقتصاد این کشور بسیار مخرب است.

این بن‌بست باعث شده است که حتی در سفر ترامپ به چین، طرف چینی با اعتماد به نفس بالا و حتی لحن تهدیدآمیز با او برخورد کند، زیرا می‌داند

این روزها قدر شما را خیلی بیشتر می‌دانیم، وقتی در خیابان‌های شهرمان از حیدر، مدد می‌خواهیم در یاد شما هستیم، ما را مردمان شجاع تاریخ یاد می‌کنند، آنطور که شما بودید به رسم شیعه بودن. جایتان خالی است، اما بودن‌تان بیش



آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

از نبودن احساس می‌شود همانند شیشه عطری که شکسته و عطرش همه‌ی شهر را فراگرفته است. سلام گرم ما را به یاران برسانید و بگویید که محتاج دعا هستیم. با محبت و دل‌تنگی، دختر ایران

روایت

پرچم رهبرم را نگه داشته‌ام

پنجشنبه اخیر، «صدای ایران» عکسی را منتشر کرد که در فضای رسانه بازنشر گسترده‌ای داشت؛ تصویری از محمدحسن دهقانی، پیرمرد بیرجندی، که در میان طوفان شدید، همچنان پرچم ایران را در دست گرفته و اجازه نمی‌دهد باد آن را با خود ببرد.

تصویری که خیلی‌ها آن را نمادی از روحیه مردم ایران دانستند، مردمی که در سخت‌ترین شرایط نیز پای پرچم و هویت ملی خود می‌ایستند. پس از انتشار این تصویر، محمدحسن دهقانی در گفتگو با رسانه‌ها درباره دلیل اقدامش توضیح داد: «نزدیک ساعت ۲ بود که گرد و خاک بلند شد. همه جا تاریک شد. دیدم طوفان می‌خواهد پرچم را با خود ببرد. پرچم را سفت گرفتم. برای رهبرم این کار را کردم. حتی اگر کرم می‌شکست هم می‌خواستم به عنوان یک سرباز، نگهبان پرچم رهبر آینده باشم.» همین جملات کوتاه، معنای واقعی آن تصویر را روشن می‌کند، اینکه در میان مردم ایران، پرچم نشانه‌ای از عزت، غیرت و تعلق خاطر به وطن است. از اولین روزهای جنگ، پویش مردمی، با هدف اعتلا و اقتدار و برافراشته ماندن پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران به صورت گسترده و ۲۴ ساعته، در سطح کشور در حال برگزاری است.

قاب

نامگذاری خیابانی در نیکاراگوئه به نام شهدای دانش آموز میناب

مسئولان شهر کوریتو کشور نیکاراگوئه به یاد دانش‌آموزان شهید مدرسه شجره طیبه میناب، خیابانی را در این شهر به نام «فرشتگان میناب» نامگذاری کردند.



اعتراف

فروپاشی توهم شکست ایران

حدود سه ماه از آغاز تجاوز آمریکایی-صهیونیستی به ایران می‌گذرد. تجاوزی که چهل روز طول کشید و تصور طراحان بر این بود که ایران را وادار به تسلیم می‌کنند. اما اکنون اعترافات سریالی مبنی بر شکست تجاوز به ایران، به صورت روزانه منتشر می‌شود. در همین راستا، روزنامه صهیونیستی جروزالم پست نوشته است: «جنگ، ایران را فرو نپاشید. کنترل آن بر هرمز را تثبیت کرد، اتحادهایش را از نو ساخت و همان نهادهایی را که آمریکا هدف قرار داده بود، تقویت کرد.» در میدان نبردی که قرار بود «بازدارندگی» ایران فروبریزد، نتیجه معکوس رقم خورد. نه تنها ساختار سیاسی و امنیتی ایران دچار فروپاشی نشد، بلکه تجربه جنگ، انسجام داخلی و پیوندهای منطقه‌ای تهران را وارد مرحله‌ای تازه کرد. امروز حتی رسانه‌های نزدیک به جریان صهیونیستی نیز ناچارند اعتراف کنند که محاسبات اولیه درباره تسلیم ایران، با واقعیت‌های میدانی فاصله‌ای عمیق داشت. آنچه طراحان جنگ تصور می‌کردند یک عملیات کوتاه و تعیین‌کننده باشد، اکنون به نمادی از فرسایش قدرت بازدارندگی آمریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شده است؛ شکستی که آثار آن، فراتر از میدان جنگ، در معادلات سیاسی و امنیتی منطقه قابل مشاهده است.